

# ایران

مساحت: ۱۶۶۴۰۰ کیلومتر مربع  
 جمعیت: ۸۰ میلیون نفر  
 زبان: فارسی  
 پایتخت: تهران

آذان ظهر ۱۳:۰۴ | آذان مغرب ۳:۳۳ | نیمه شب شرعی ۰۱:۰۵ | آذان صبح فردا ۴:۰۷ | طلوع آفتاب فردا ۵:۵۱

**امام سجاده(ع):** خدا-یا به‌تو پناه می‌برم... از اینکه ظالمی را یاری کنیم و یا مظلوم و دلسوخته‌ای را بی‌یاور گذاریم و یا آنچه حق ما نیست بخواهیم.

صحیفه سجادیه، از دعای ۸

تلفن: ۰۲۱-۸۸۷۶۱۷۲۰؛ فاکس: ۰۲۱-۸۸۷۶۱۲۵۴؛ ارتباط مردمی: ۰۲۱-۸۸۷۶۹۰۷۵  
 پست: ۰۲۱-۴۵۱۲۱۳۳؛ وبسایت عمومی: [www.irannews.com](#)؛ تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸  
 صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵؛ امور مشترکین: ۰۲۱-۸۸۷۴۸۸۰۰  
 چاپ: شرکت چاپ جام‌چم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی  
 چاپخانه همشهری  
 سازمان آگهی‌ها: روزنامه ایران؛ دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT  
 تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)  
 انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۰۲۱-۸۸۵۴۸۸۹۵  
<http://irannews.com>

## نگاره



## #قطعی برق

کردن، ولی امروز عصر جلسه اضطراری تو اداره تشکیل شده و احتمالاً برنامه قطعی را کنسل کنند و برنامه اعلام نشه، چون سارقین مطمئن شدن کدام مسیر در چه ساعتی قطع می شود اقدام به سرقت کردند»، «خدارو شکر دو روزبه قطعی برق نداشتیم درست بعد از دستور منع استخراج، درسته دوستان ماینر ناراحت میشن، ولی خودتون قضاوت کنید کل برق این مملکت بره به‌خاطر اینکه بیت کوین ماین کنید، حتی یک درصد از ماینی که تو ایران میشه مال مردم نیست و ما فقط قطعی برقشو داریم! اون بیمار تنفسی که ریه هاش اکسیژن لازمه داره و جون میده به‌خاطر نبود برق رو نباید از ماین واجب‌تر بدونیم؟»، «شرایط طوری شده قبل اینکه بری حمام یا دستشویی، باید از اداره برق و آب استعلام بگیری که بعداً دچار مشکل نشی»، «فصل گرما و قطعی آب و برق شروع شده ومثل هر سال آبی که به فضای سبز پارک‌ها و بلوارها داده می‌شه و سرریز می‌شه تو خیابونا و شهرداری شیراز به این مسأله توجه نمی‌کنه»، «دارم فیلم جیب برها به بهشت نمی‌روند می‌بینم که برای سال ۷۲ هست، توی فیلم سارقان با استفاده از زمان قطعی برق طبق لیست اعلامی می‌خوان از بانک سرقت کنند. درست مثل الان»، «خداروشکر چند روزه قطعی برق نداشتیم، + اداره برق: همین ترس از رفتن برق براتون کافیه».

## شهروند مجازی

بگانه خدای

پنجشنبه و ۱۷ سال پس از پایان سریال پرطرفدار «دوستان» یک قسمت ویژه با حضور بازیگران و چهره‌هایی چون دیوید بکهام و کیت هرینگتون منتشر شد که حسای طرفداران این سریال را سرزوق آورد. هم پنجشنبه و هم دیروز نوشته‌های زیادی درباره این سریال دیدیم و خیلی‌ها از اینکه با دیدن این قسمت ویژه احساساتی شده‌اند نوشتند. البته طبق معمول دعوا و بحث میان طرفداران سریال فرنزد (دوستان) و مخالفانش ادامه داشت: «به مقدار بین طرفدارها و مخالفان سریال فرنزد آرامش

پنجشنبه و ۱۷ سال پس از پایان سریال پرطرفدار «دوستان» یک قسمت ویژه

## ماجرا

با حضور بازیگران و چهره‌هایی چون دیوید بکهام و کیت هرینگتون منتشر شد که حسای طرفداران این سریال را سرزوق آورد. هم پنجشنبه و هم دیروز نوشته‌های زیادی درباره این سریال دیدیم و خیلی‌ها از اینکه با دیدن این قسمت ویژه احساساتی شده‌اند نوشتند. البته طبق معمول دعوا و بحث میان طرفداران سریال فرنزد (دوستان) و مخالفانش ادامه داشت: «به مقدار بین طرفدارها و مخالفان سریال فرنزد آرامش



برقرار شده بود که این قسمت جدیدش دوباره آتیش کینه و نفرت رو شعله‌ور میکنه»، «دورهمی فرنزد رو دیدم و قلبم تیکه تیکه شد برای چندلر. چندر داغون شده. از همه هم کمتر حرف زد. اشک‌مون رو در آوردن لعتیلاً»، «لعتن به‌تو رو کردار...چی بر سر چندلر آوردی؟»، «درسی که فرنزد امروز به همه ما داد: بوتاکس و ژل مل نزدیک عزیزان. از پیروی راه فراری نیست، مثل مرگ. اجازه بدید مثل آدم پیر بشید»، «قسمت ویژه فرنزد غم زیادی داره نه‌واسه خود سریال و بازیگرانش بیشتر به این فکر می‌کنم ۱۰-۱۵ سال دیگه که

## کودکان در برابر تأثیرات کرونا آسیب‌پذیر تر هستند

**فرهاد حسن‌زاده:** ما فعلاً تبعات شکلی و ظاهری کرونا را می‌بینیم مثل آمارهای تلفات و تأثیرات آنی که این بیماری بر جسم آدم‌ها می‌گذارد. اما آنچه دیده نمی‌شود و پنهان است، آسیب‌های روحی و روانی آن است که تا سال‌های سال در ذهن و روح و روان مردم و در خاطرات جمعی این سرزمین می‌ماند. بعضی از عواقب این بیماری سال‌های سال با ما و در رفتارهای عمومی ما خواهد ماند؛ مثل عواقی که جنگ بر ما تحمیل کرد. یعنی با گذشت سال‌های سال از جنگ هشت‌ساله ایران و عراق سایه تأثیرات روحی و روانی آن بر سلسله اعصاب جامعه حاکم است و خودمان خبر نداریم؛ بنابراین کرونا هم این تأثیرات را خواهد گذاشت. در این میان بزرگ‌ترها به‌گونه‌ای خود را تخلیه می‌کنند. آن‌ها درگیر کار و روزمرگی هستند و تجربه بیشتری در مواجهه با بحران‌ها دارند، اما کودکان دوران رشد خود را طی می‌کنند و این دوران زمان یادگیری و تکامل شخصیت آن‌هاست. بنابراین کودکان دیگر رشد طبیعی نخواهند داشت و گویی در گلخانه بزرگ می‌شوند. محصولات گلخانه‌ای هم همان‌طور که می‌دانید با محصولات طبیعی و ارگانیک تفاوت زیادی دارند.

بخشی از گفت‌وگوی این نویسنده با ایبنا



# موسیقی گیلان را حمایت کنید

جالب است بدانید با وجود کرونا و نگرانی مردم از تجمع بسیار، انتظار به گونه‌ای دیگر شد طبیعتاً ما فکر می‌کردیم استقبال چندانی صورت نگیرد اما توانستیم با حمایت شهرداری تهران و تلاش هنرمندان انشروی مبتنی در روحیه مردم ایجاد کنیم و با برگزاری کنسرت‌هایی به‌صورت آنلاین در همان ماه‌های ابتدایی ورود این بیماری کمی حال مردم کشورمان را خوب کنیم و محیطی شاد برای آنها ایجاد گردد. اما جای تأسف است که باید بگوییم در این سال‌ها و حتی پیش از کرونا هیچ جشنواره‌ای در بخش تئاتر و موسیقی در استانی چون گیلان برگزار نشده است. درواقع ارگان‌هایی چون شهرداری یا اداره کل فرهنگ و ارشاد این استان‌ها هیچ‌گونه حمایت و همکاری نداشته‌اند تا هنرمندان موسیقی نواحی را به دور هم جمع کنند و برای مردم اجرای برنامه داشته باشند و گروه‌های موسیقی فعال در این استان‌ها در این سال‌ها تنها به دعوت از شهرهای دیگری، جز خاستگاه و زادگاه خود موسیقی فولک گیلان و مازندران را اجرا کرده‌اند.

باید بگویم ما دواطلب هستیم اما حمایتی وجود ندارد و هدف ما مادیات و درآمدزایی نبوده و نیست و تنها به فکر شاد کردن روحیه مردم هستیم و از شهرداری رشت خواهش داریم فضایی فراهم کند تا گروه‌های مختلف موسیقی این استان در همین محیط‌های شهری و فضای سرباز برای مردم اجرای کنسرت داشته باشند. در حال حاضر هم شرایط اجرای کنسرت‌ها به‌صورت آنلاین است که با وجود امکانات حاضر می‌تواند اتفاق خوبی باشد.

## باز نویسی هنرمندانه‌ای از داستان قدیمی ایتالیایی

طی یکی - دو هفته اخیر ترجمه تازه‌ام از «امبرتو اکو» با همکاری نشر پرتقال به کتابفروشی‌ها راه یافته؛ «دلدادگان»، داستان مشهوری که اکو به زیبایی آن را بازنویسی کرده است. «دلدادگان»، روایتی نو و هنرمندانه از داستانی قدیمی است. «آلساندرو مانزوینی»، شاعر مشهور ایتالیایی بیست سال زامن صرف این داستان می‌کند؛ سال ۱۸۲۱ میلادی آن را آغاز کرد و سال ۱۸۴۰ هم به اتمام رساند. «دلدادگان» نخستین داستان بلند مهم ایتالیایی است که بر نویسندگان بعد از «مانزوینی» تأثیر بسیاری گذاشت. اما قدری هم از خود کتاب بگویم، این کتاب در سال‌های نوشته شده که ایتالیا برخلاف امروز، کشوری یکپارچه نبوده و میلان، جغرافیای داستان، تحت حاکمیت اسپانیایی‌ها قرار داشته است. ماجرای این کتاب به دو جوان دلداه یازمی‌گردد که تصمیم به ازدواج می‌گیرند اما حاکم زورگو و خشن اسپانیولی آن روزگار میلان مانع پیوند آنان می‌شود. زمان وقوع این ماجرا در سال‌های همه‌گیری بیماری طاعون است و دربردارنده



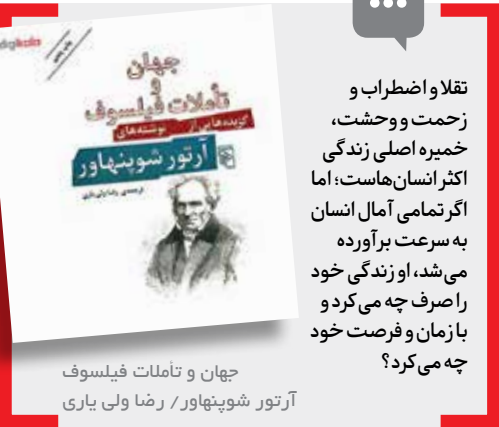
روایت‌هایی تلخ از آن دوران. با این حال سرانجام قصه این دو جوان، یابانی خوش پیدا می‌کند. آنان در نهایت از گرغنه‌ای و سختی‌رهایی پیدا می‌کنند و... اما چرا خواندن آن را به مخاطبان ایرانی پیشنهاد می‌دهم؟ دلدادگان برای ایتالیایی‌ها شاید همچون «هزار و یک‌شب» برای ما ایرانیان باشد. این را گفتم که بدانید با اثری جذاب روبه‌رو هستید که حتی به کتاب‌های درسی آنان هم رایافته است. شهرت این نوشته با ترجمه‌اش به اغلب زبان‌های زنده جهان، تنها به سرزمین زادگاه خالق آن محدود نشده است. چراپی ترجمه‌ام از این داستان به علاقه‌ای بازمی‌گردد که به «امبرتو اکو» دارم، نخستین مرتبه با کسب رخصت از وی، کتاب «سه قصه» اکو را و بعدتر هم «چگونه با ماهی قرل آلا سفر کنیم؟» یا پرداخت حق کپی‌رایت به ناشر ایتالیایی از زبان اصلی‌اش به فارسی بازگرداندم. «دلدادگان» کتابی است برای همه. به گروه سنی خاصی محدود نمی‌شود. از نوجوان ۱۰ساله تا پیرمرد و پیرزن ۹۰ ساله می‌توانند آن را بخوانند و لذت ببرند، بویژه همان‌طور که اشاره شد شباهت‌هایی با روزگاریمان دارد و از طرفی عاقبت داستان آن ختم به خوشی می‌شود، پایان آن پیروزی دانش و داد است بر نادانی و ستمگری. آن را بخوانید که برای این روزها خوب است.

- دلدادگان**
- بازنویسی: امبرتو اکو**
- ترجمه: غلامرضا امامی**
- نشر: پرتقال**

این کتاب یکی از نسخ عکس نوشت شعراهای امیلی بروته

است که با اصلاطاتی که خواهرش شارلوت با مداد روی آنها انجام داده، قرار است در ماه جولای به نمایش دربیاید.

این مجموعه توسط آرتور بل نیکولز، همسر شارلوت بروته، جمع‌آوری شد و بعد آنها را به کتابخانه برادران لاورهارسفیلدهاوت سپرد اما این کتابخانه و نسخه‌هایش در سال ۱۹۳۹ با مرگ صاحب آن از دسترس عام خارج شد.



## درباره برنامه‌های گفت‌وگو محور

## ترک تازی تاک‌شو‌ها

هر شبکه‌ای را که می‌زنی چه در تلویزیون چه شبکه اجتماعی و رسانه‌های اینترنتی، یک میز و صندلی می‌بینی که یک سوی آن مجری نشسته و سوی دیگری میهمان که اغلب یا سلبریتی هستند یا چهره‌های آشنایی که بارها و بارها مخاطب شاهد گفت‌وگوی آنها بوده و حتی گاهی حرف‌هایشان را از بر است. این تاک‌شو‌ها دست‌کم دو مؤلفه تکراری دارد

که در کانون نقد قرار می‌گیرد. یکی بازیگرانی که در کسوت مجری نشسته‌اند و دیگری حرف‌های تکراری چهره‌های تکراری! مخاطب مدام باید پایی خاطرات شخصی زندگی میهمانان باشد و لابد از شنیدن آنها باید لذت ببرد! تعدد ساخت چنین برنامه‌هایی با توجه به محتوای مشابه و تکراری، تولید تاک‌شو‌ها را به یک اشباع رسانه‌ای رسانده و از جذابیت آنها کاسته است. مگر چقدر می‌توان پای صحبت دو چهره آشنا نشست و تماشاگر معاشرت آنها بود! از سوی دیگر با یک هجمه عجیب و غریب در مجری شدن بازیگرها مواجه هستیم و گویی دیگر هیچ مرز حرفه‌ای و هویتی میان آنها وجود ندارد.

بازیگرانی که اغلب دانش و مهارت لازم در اجرا ندارند و صرفاً به دلیل چهره و شهرت و به اصطلاح سلبریتی بودن برای اجرا انتخاب می‌شوند. به‌زعم آنها اجرا نوعی بازیگری است که متکی به فن بیان است و آنها در مقام بازیگر واجد این مهارت‌ها هستند. اما واقعیت این است که مجری‌گری نه طفیلی بازیگری است نه صرفاً مهارت کلامی.

ژانر مستقلی است که اصول و قواعد خود را دارد، نیازمند آموزش و تربیت است و صرف بازیگر بودن یا راحت بودن مقابل دوربین دلیل کافی برای مجری‌گری نیست. افزایش بازیگران مجری در مقطعی حتی صدای مجریان حرفه‌ای را درآورد که آن را تعرض به حوزه تخصصی خود و بی‌اعتباری حرفه خود دانسته‌اند. این اتفاق در اغلب مشاغل ارتباطی رخ می‌دهد چنانکه در اغلب مشاغل نیروهای مازا یا فردی که تخصص ویژه‌ای ندارد را به روابط عمومی آن سازمان و نهاد می‌فرستند بی‌آنکه بدانند روابط عمومی در جهان امروز یک تخصص و حرفه تخصصی است.

از سوی دیگر شاهد حضور برخی ژورنالیست‌ها و روزنامه نگاران در مقام مجری هستیم که ابتدا از مجری کارشناس شروع می‌کنند و بعد به مجری‌گری عمومی می‌رسند و در برنامه‌های غیرتخصصی هم اجرا می‌کنند. مسأله این است که اجرا به مثابه یک حرفه تخصصی به رسمیت شناخته نشده و آموزش داده نمی‌شود. به نظر می‌رسد تربیت مجری باید به یک فرایند و اتفاق درون سازمانی بدل شود و مجریان حرفه‌ای و شناخته شده بتوانند مجریان تازه‌ای تربیت کنند. با توجه به گسترش و توسعه شبکه‌های تلویزیون و بالطبع افزایش تولید برنامه هم به مجریان بیشتری نیاز است هم مجریان خلاقه که توانایی نوآوری و تازگی در اجرا را داشته باشند.

این خلاقیت و نوآوری نه فقط در اجرا که در ساختار برنامه هم باید لحاظ شود؛ طراحی آیتم‌های جدید و متفاوت، کم رنگ شدن بخش گفت‌وگو یا تغییر رویکرد آن که از خاطره‌گویی و گپ‌زدن‌های متعارف عبور کرده و حرف تازه‌ای در پس حرف‌زدن‌ها ارائه کند. در شرایط حاضر تلویزیون مثل برنامه‌های تاک شوپی شابلون زده که ردپای آن به برنامه‌های اینترنتی هم کشیده که جز تکثیر یک تکرار نیست. به جای این تکثیر نیازمند تنوع در تولید برنامه‌های تاک‌شوپی هستیم تا هرکدام امضای خاص خود را داشته و در شمایل و فرم متفاوتی عرضه شوند. حرف‌های تکراری و تکرار حرف‌ها راه به جایی نمی‌برد!

تفاوت و وحشت، خمیره اصلی زندگی اکثر انسان‌هاست؛ اما اگر تمامی آمال انسان به سرعت برآورده می‌شد، اوزندگی خود را صرف چه می‌کرد و با زمان و فرصت خود چه می‌کرد؟

جهان و تاملات فیلسوف آرتور شوپنهاور / رضا ولی یاری

تفاوت و وحشت، خمیره اصلی زندگی اکثر انسان‌هاست؛ اما اگر تمامی آمال انسان به سرعت برآورده می‌شد، اوزندگی خود را صرف چه می‌کرد و با زمان و فرصت خود چه می‌کرد؟

جهان و تاملات فیلسوف آرتور شوپنهاور / رضا ولی یاری

تفاوت و وحشت، خمیره اصلی زندگی اکثر انسان‌هاست؛ اما اگر تمامی آمال انسان به سرعت برآورده می‌شد، اوزندگی خود را صرف چه می‌کرد و با زمان و فرصت خود چه می‌کرد؟

جهان و تاملات فیلسوف آرتور شوپنهاور / رضا ولی یاری

تفاوت و وحشت، خمیره اصلی زندگی اکثر انسان‌هاست؛ اما اگر تمامی آمال انسان به سرعت برآورده می‌شد، اوزندگی خود را صرف چه می‌کرد و با زمان و فرصت خود چه می‌کرد؟

جهان و تاملات فیلسوف آرتور شوپنهاور / رضا ولی یاری

تفاوت و وحشت، خمیره اصلی زندگی اکثر انسان‌هاست؛ اما اگر تمامی آمال انسان به سرعت برآورده می‌شد، اوزندگی خود را صرف چه می‌کرد و با زمان و فرصت خود چه می‌کرد؟

جهان و تاملات فیلسوف آرتور شوپنهاور / رضا ولی یاری

تفاوت و وحشت، خمیره اصلی زندگی اکثر انسان‌هاست؛ اما اگر تمامی آمال انسان به سرعت برآورده می‌شد، اوزندگی خود را صرف چه می‌کرد و با زمان و فرصت خود چه می‌کرد؟

جهان و تاملات فیلسوف آرتور شوپنهاور / رضا ولی یاری

تفاوت و وحشت، خمیره اصلی زندگی اکثر انسان‌هاست؛ اما اگر تمامی آمال انسان به سرعت برآورده می‌شد، اوزندگی خود را صرف چه می‌کرد و با زمان و فرصت خود چه می‌کرد؟